

کیمشان

موشه دایان، پس از آنکه به دنبال تجارت در ایران و جاهای دیگر، ارتش اسرائیل را ترک کردم، بارها و بارها از من تقاضا کرد که برای او یک جلسه با خاشقچی ترتیب دهم. پس از آن که از ملاقات با نمیری برگشتم، دایان با من تماس گرفت و درخواست کرد که برای او یک جلسه با رئیس‌جمهور سودان به منظور ایجاد گفت‌وگویی مستقیم بین دولت اسرائیل و سودان، ترتیب دهم. نزد نخست‌وزیر بگین برای ارائه آخرین اطلاعات درباره این موضوع بازگشتمیم و هنگامی که تأیید او را گرفتم، این جلسه را ترتیب دادیم. چند روز قبل از این جلسه نخست‌وزیر توسط گاندی به ما اطلاع داد که برای این جلسه پیگال یادین می‌آید و نه موشه دایان. ما متوجه نشدیم چرا دایان که خودش طرح این ملاقات را داد، در آن شرکت نکرد. در این روزها، همزمان با نوشتن کتابم، فقط با دورون الحانانی، مدیر

ما با دولت نمیری را ایجاد کرد که در ادامه راه، مهاجرت یهودیان انتوبی به اسرائیل را ممکن ساخت. یادین هیجان‌زده شد و این جلسه و نتایج آن را تحسین کرد. شکی نیست که غیبت موشه دایان مشهود بود. او می‌توانست از این فرصت تاریخی استفاده کند و طرح همکاری جدی بین اسرائیل و سودان با هماهنگی نزدیک با مصر را مطرح کند.

اگرچه نخست‌وزیر بگین آماده نبود حتی درباره پیشنهاد خاشقچی در مورد مکان‌های مقدس برای اسلام بحث کند، اما می‌دانست که چگونه باید از کمک «عقاب» برای توسعه روابط اسرائیل با همسایگانش قدردانی کند. ۱۴ ژوئن ۱۹۷۹ او نامه رسمی در این‌باره به خاشقچی فرستاد. به خاطر فوق محرمانه بودن، اسم او را در نامه ذکر نکرد، نامه‌ای که در آن گفته شده بود: «من با کمال میل ابراز می‌کنم تو و همکارت با همکاری نزدیک با دوستان خوب

«امید و شکست» خاطرات سال‌ها فعالیت اطلاعاتی – امینتی یعقوب نیمرودی برای اسرائیل – ۲۷

رؤیا در جهان واقعی

عدنان خاشقچی ژوئن ۱۹۵۳ در مکه متولد شد، او شهروند سعودی و شخصی بزرگ در جهان بود. سرمایه‌دار بزرگی که ارتباط خوبی با خاندان سلطنتی ریاض و شخصیت‌های کلیدی در جهان عرب داشت. با این وجود به قدرت ملت پهود و اقتدار اسرائیل ایمان زیادی داشت. او یکی از جذاب‌ترین اشخاص بود که در زندگی ام ملاقات کردم و تقریباً یک نسل همراه من بود. شخصیتی چندانکه دانشت و در رؤیای سازش‌ا و تجارت و بالاتر از همه دوستی مشارکت می‌کرد.

ما در کنیا کار مهمی را برای کشور اسرائیل انجام دادید. با احترام، منامخ بگین.»

خاشقچی هنگامی که این نامه را به دستش رساندم خوشحال بود. منامخ بگین بعد از امضای توافق اسازش‌ا با سادات، یکی از رهبران محترم در جهان به شمار می‌آمد و خاشقچی احساس غرور می‌کرد. این نامه برای من هم باعث رضایت بسیار شد. این برای من یک

پیروزی بزرگ شخصی بود یعنی درک رسمی اهمیت روابط از داخل، با وجود تلاش‌های شکست‌خورده از سوی افراد کم‌باور و کوتاه‌نظر. عدنان خاشقچی ژوئن ۱۹۵۳ در مکه متولد شد، او شهروند سعودی و شخصی بزرگ در جهان بود. سرمایه‌دار بزرگی که ارتباط خوبی با خاندان سلطنتی در ریاض و شخصیت‌های کلیدی در جهان عرب داشت. با این وجود، به قدرت ملت یهود و اقتدار اسرائیل ایمان زیادی داشت. او یکی از جذاب‌ترین اشخاصی بود که در زندگی‌ام ملاقات کردم و تقریباً یک نسل همراه من بود. شخصیتی چندانکه داشت و در رؤیای اسازش‌ا و تجارت و بالاتر از همه دوستی مشارکت می‌کرد.

خاشقچی دوست خوب ملک حسین پادشاه اردن‌ا و رئیس‌جمهور مصر انور سادات بود که سال ۱۹۸۱ کشته شد. او دوست شخصی حاکم لیبی، معمر قذافی و مرد مخفی رئیس‌جمهور

«عقاب» – اسم که خاشقچی برای استفاده در ارتباطات و گزارش‌ها بود– که با گذشت زمان به اسم مستعار او تبدیل شد. او فردی کوتاه قد، طاس، دارای سبیل کوتاه، چشمان تیره و کتجکاو، با لیخن‌دی رموز، محجوب، باکفایت، زیرک و بازرگانی باهوش و جسور بود. او از یک طرف می‌دانست که چگونه سهم خود را با عزمی راسخ مطالبه کند و از طرف دیگر فردی دوراندیش بود. خاشقچی به روزنامه‌نگار اسرائیلی که یکبار با او دیدار کرد، تعریف مناسبی از ماهیت دوستی‌ای که در طول سال‌ها بین ما ایجاد شده بود بیان کرد: «نیم‌رودی و من همکاران زیادی داریم. هر دو ما از انسان‌هایی هستیم که رؤیا را دوست داریم، اما می‌دانیم هم که چه طور مذاکرات در جهان واقعی را مدیریت کنیم.» دوست سعودی‌ام برای ورود به دنیای جدید تجارت و پروژه‌های اقتصادی بین‌المللی بسیار به من کمک کرد. ناگهان از دنیای نظامی اطلاعاتی که در آن سال‌های زیادی مشغول بودم، به دنیای مذاکرات اقتصادی–سیاسی پریدم.^(۱) چیزی که من را هیجان‌زده کرد اشتیاق خاشقچی برای اسازش‌ا بر پایه تجارت بود.

تا چند سال پیش خاشقچی یکی از ثروتمندترین افراد جهان به شمار می‌آمد و دارایی شخصی‌اش چندین میلیارد دلار برآورد می‌شد. او تجارت را زمانی که جوانی در مصر بود آغاز کرد، هنگامی که پایان دهه چهل در مدرسه معتبر «کالج ویکتوریا» در اسکندریه درس می‌خواند. آنجا برای اولین بار در زندگی خود حق کمیسیون به مبلغ ششصد دلار نقد تجربه کرد، وقتی که پدر همکلاسی‌اش در آن خوهان خرید پیراهن و حوله بود به یک تولیدکننده پیراهن وصل کرد. از آن لحظه و بعد از آن فرشته شانس سمت راست او نشست، اما ارتباط ویژه او با خاندان سلطنتی سعودی هم ثروت او را افزون کرد و سود زیادی برایش آورد. پدر او پزشک شخصی پادشاه بن سعود بود. احترام زیادی در قلمرو پادشاهی داشت. خاشقچی جوان برای تحصیل به مصر فرستاده شد و بعد از آن در دانشگاهی معتبر تحصیلاتش را تکمیل کرد. سال ۱۹۵۵ او فقط بیست سال داشت و دارایی‌اش برای اولین بار به یک میلیون دلار ا رسیده بود.

پانوشت:

۱- نم: نیروی اگرچه از کنار گذاشتن فعالیت‌های نظامی امنیتی و ورود به دنیای مذاکرات اقتصادی–سیاسی می‌گوست و سعی می‌کند وجهه تجاری فعالیت‌هایش را برجسته کند اما با مطالعه خاطراتش به وضوح مشخص می‌شود که نیروی پس از بازنگشتی همچنان از نفوذ و اعتبار ویژه‌ای در تشکیلات امنیتی و بلکه راس هر قدرت رژیم صهیونیستی برخوردار است و قراردادهای تجاری وی چندان ا ارتباط با اهداف سیاسی و امنیتی صهیونیست‌ها نیست ۲۶ اسفند ۱۳۸۸ اداره کل هفتم ساواک طی نامه‌ای به اداره کل ششم در همین زمینه می‌نویسد: «شهرنگ نیروی مدت ۱۳ سال در ایران ظاهر را به عنوان وابسته نظامی اسرائیل خدمت می‌نموده و اشتغال جدید وی در ایران اعم از اینکه از ارتش کناره‌گیری نماید یا به عنوان افسر و شیخ‌نشین خواهد بود.» (ساواک. شاهی، مظفر تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۶، ص۲۳۴)

مبارک بود. او طرفدار بزرگ شیمون پرز و اریل شارون بود. بین پرز و خاشقچی مکالمات سیاسی جالب توجهی انجام شد که در این مکالمات، آن‌ها چشم‌انداز اسازش‌ا در امورمیان‌ه را مبتنی بر پروژه‌های اقتصادی در مقیاسی بزرگ به تصویر کشیدند. پرز و خاشقچی زبان مشترکی یافتند و قلباً به رؤیای خاورمیانه جدید اعتقاد داشتند.

یادنامه آیت‌الله عبدالکریم حق‌شناس- ۲۴

بوی تعفن گناه

خدا حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی را رحمت کند که فرمود: در وقت گناه، چنان بوی تعفنی از انسان متصاعد می‌شود که ملائکه آن را استشمام می‌کنند و ملک دست چپ به ملک دست راستی می‌گوید: این شخص، اهتمام می‌شود و در وقت آن دارد که مصیبت کند!^(۱) یک دود تیره و تاری هم بلند می‌شود که غبار آن، بر دل صاف شما- که پروردگار، این دل را برای خودش قرار داده و جای ذکر اوست- می‌شیند و آن را مکنز می‌کند. آن وقت محبوب می‌شود، دانش جون! آن وقت از کسانی می‌شوی که به دنبال دنیا افتاده‌اند، هی فکر می‌کنند که باید دکان را بزرگ‌تر کرد، چه کرد و چه کرد…»^(۲)

ترک گناه، حتی به خاطر غیر خدا
کسی که در جوانی است، وقتی با امیال نفسانی و نفس مواجه می‌شود، اگر نمی‌تواند از آنها جلوگیری کند، دست کم ایجاد مانع نماید تا آلوده نشود. این، مقتضای مراقبه است. یکی از ابزارهای شیطان برای تحریک امیال نفسانی، معامله با زن‌های مهتک‌ه^(۳) است که آنها هم لشکر شیطان‌اند… وقتی کسی می‌بیند که دارد آلوده به گناه می‌شود، مانع ایجاد کند. مثلاً یکی از قلابش را صدا کند که: آقا! لطفاً یک دقیقه بیا این جا ایست! ولو این که از روی حیا و به ملاحظه رفیقش نگاه نکند، خوب است و نجات یافته. حتی اگر برای غیر رضای پروردگار باشد، همین که نتواند گناه کند، نجات پیدا کرده و خوب است. این، یعنی ایجاد مانع برای این که تمسک انسان به حیل الله از بین نرود. این، ثمرهٔ مراقبه است.^(۴)

عزت ثانوی از ترک گناه
یکی از جوان‌ها بزرگ است و معلوم است که شغل خطرناکی است؛ چون همین قدر که بزرگ باشی و جوان هم باشی، با زن‌ها سر و کار داری و خیلی در معرض خطر هستی…! او به من می‌گفت: «من به پروردگار عرض کردم‌ام که: من خودم درصدد حفظ خودم هستم. تو هم باید مرا حفظ کنی! لذا هر وقت یک زنی به مغازه می‌آید، یک‌دقیقه یکی از رفقا که من نسبت به او رودریاستی دارم و از او بحالت می‌کشم، پیدایش می‌شود! یعنی پروردگار برای حفظ من، ایجاد مانع می‌فرماید که حق نکنم. پس داداش جون! اگر بخوای خودت حفظ کنی، این‌شالله پروردگار اهما! شما را حفظ می‌کند.»^(۵)

عزت ثانوی از ترک گناه
شخصی به من گفت: «آقا من هرچه می‌خواهم تصمیم بگیرم بر این که کاری را نکنم و آدم خوبی باشم، نمی‌توانم. بنده این طور جواب دادم که: علت، این است که حجاب‌های قبلی قلب و گناهان گذشته هنوز مرتفع نشده است. هنوز مشکلات قبلی حل نشده است و ابتدا باید آنها را حل کنید. مرحوم فیض‌المؤمنین را یاد این، شجره را قطع کنی…! اگر گناه را ادامه دادی و

پاورقی

Research@kayhan.ir

در زمان کنفرانس «آینده آزادی» کنگره در میلان، این موضوع هنوز حل نشده بود. در طول آن هفته در اواسط ماه سپتامبر ۱۹۵۵، هتل نمایندگان از دسیسه و توطئه پر شده بود. استوارت همپشایر بیشتر از خود بحث‌ها، سیاست‌بازی‌های خلوت را به یاد می‌آورد(که به گفته هانا آرنت، «به طرز مرگباری کسل‌کننده» بودند). در حالی که جورج کنان مشغول خواندن «استراتژی آزادی» بود(یک مضمون معمول در گفتار کنان این بود: آزادی، مانند سیاست خارجی، نیاز به سازماندهی استراتژیک دارد)، اتاق خواب سیدنی هوک به کانون گروهی مخالف

جنگ سرد فرهنگی؛ سازمان سیا در عرصه فرهنگ و هنر- ۱۶۸

نبرد ایدئولوژیک و تفتیشی عقاید

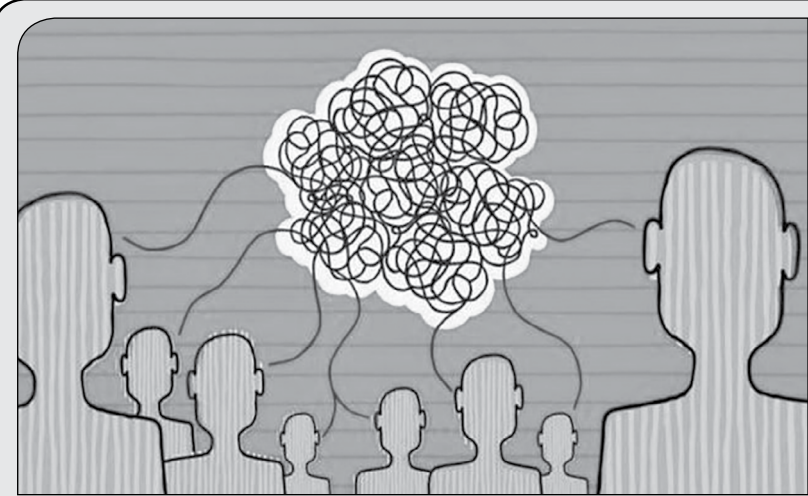
سرت را از تنت جدا کنم. نمی‌دانم به نظر تو مرز بین نقد سردبیر و مسائل اصولی چیست» جوسلسون به طور خصوصی به دانیل بل اعتراف کرد: «گاهی اوقات احساس می‌کنم ایروینگ وقتی آب سربالا بپروم، راه خود را تغییر داده و ابوعطا خواهد خواند.» جوسلسون به طور غریزی نسبت به مک دونالد تردید داشت. به محض اینکه انتصاب او (و حقوق سخاوتمندانه ۱۲۰۰۰ دلار به علاوه هزینه‌ها) تأیید شد، دویات مقاله‌ای با عنوان «هیچ معجزه‌ای در میلان وجود ندارد» برای مجله «پانکتتر» ارسال کرد. اظهارات او در مورد اقامت مجل نمایندگان و عدم تمرکز

در پی وقایع پر آشوب سال ۱۹۵۶، کنگره شکل خود را پیدا کرده بود. اگرچه خود را «منحصراً به عنوان یک سازمان مبارز برای شرکت در نبرد ایدئولوژیک و افشای جنایات، دروغ‌ها و تفتیشی عقاید» نمی‌دانست، اما دقیقاً در همین زمینه تبحر داشت.

ظاهری آنها در بحث‌های کنفرانس، اسپندر و کریستول را به هم ریخت. برخلاف آنچه مک‌دونالد پیش‌بینی کرده بود- قبل از آمدن به لندن، او به اسپندر نوشت که از شنیدن نظر کنگره در مورد اینکتتر «بسیار خوشحال» است؛ «سیاست عدم مداخله…» آن کاملاً ایده‌آل به نظر می‌رسد- این مقاله توسط نایفوک، باندی، لاسکی و جوسلسون مورد بحث قرار گرفت و در نهایت با مجموعه‌ای از اصلاحات پیشنهادی به مک دونالد بازگردانده شد. سرانجام در دسامبر ۱۹۵۵، یک ماه پس از انتشار روایتی بسیار محترمانه‌تر از ادوارد شیلز، جامعه‌شناس محافظه‌کار، منتشر شد. اما این دخالت، تنها گوشه‌ای از اتفاقات آینده بود. در پی وقایع پر آشوب سال ۱۹۵۶، کنگره شکل خود را پیدا کرده بود. اگرچه خود را «منحصراً به عنوان یک سازمان

صفحه ۶

دوشنبه ۱۴ مهر ۱۴۰۴
۱۳ ربیع‌الثانی ۱۴۴۷ – شماره ۳۲۹۷۱



مبارز برای شرکت در نبرد ایدئولوژیک و افشای جنایات، دروغ‌ها و تفتیش عقاید» نمی‌دانست، اما دقیقاً در همین زمینه تبحر داشت. ترتیبات رسمی‌تر برای این نوع فعالیت در اکتبر ۱۹۵۷ تکمیل شد، زمانی که لاسکی ریاست تشکیل سرویس گفت‌وگوی کنگره را بر عهده داشت که «اطلاعات و تحلیل‌های پیش‌زمینه» را به مشترکین در سراسر جهان ارائه می‌داد. در واقع، «فوروم ورلد فیچرز» (نام جدیدی بود به سرویس گفت‌وگوی کنگره داده شد) یک عملیات مخفی کلاسیک برای سازمان سیا بود، که در آن جان هـی ویتنی بار دیگر به عنوان یک پوشش عمل می‌کرد و شرکت را به نام خود به عنوان یک شرکت ایالتی دلاور (Delaware) با دفاتری در لندن ثبت کرد. تا دهه ۱۹۶۰، فوروم ورلد فیچرز پرتیراژترین سرویس خبری متعلق به سازمان سیا بود.

با این حال، تحت نظارت دقیق جوسلسون، کنگره همچنان به عنوان تنها سازمان بین‌المللی مستقلی دیده می‌شد که پیوسته ارزش آزادی را اعلام می‌کرد. در بیانیه‌ای از کنگره توضیح داده شد: «مسئله مهم ایجاد یک حوزه آزاد فرهنگی است که در آن بتوان فعالیت‌های بزرگ ادبیات، هنر و اندیشه را دنبال کرد. برای مقابله با جهانی که در آن همه چیز در خدمت یک هدف سیاسی قرار دارد، که برای ما غیرقابل

قبول به شمار می‌رود، لازم است پلتفرم‌هایی ایجاد شود که از طریق آنها فرهنگ بتواند بدون توجه به سیاست و بدون سردرگمی در تبلیغات بیان شود، جایی که دغدغه اصلی، خود ایده‌ها و اثار هنری باشد.» این معیاری بود که در نهایت کنگره بر اساس آن جایگز می‌ماند یا سقوط می‌کرد. البته، ترغبتگان مخفی کنگره هرگز از ضرورت تبلیغات دست نکشیدند. وظیفه جوسلسون این بود که مطمئن شود این الزام و ضرورت با دقت پنهان شده است و حداقل در حال حاضر به نظر می‌رسید که این طرح عملی شده است: مردم (مشتاقان به سمت کنگره هیجوم می‌آمدند، اگر اصلاً چیزی به نام ضد ضد کمونیستی وجود داشته باشد، همین زمان بود که شعارها و زست‌های ضد کمونیستی مدّ روز شده بود.

تمام شد، بعد از تسبیحات حضرت زهرا(س) رو کرد به نمازگزاران و می‌قدمه فرمود: «داداش جون! نماز را باید مثل قرآن خواندن، خواند. بیخود هم شما شک نکنید که من درست یا غلط خواندم!». این را فرمود و نماز دوم را شروع کرد. احتمال می‌دهم که یکی از کسانی که به ایشان اقتدا کرده بود، در ذهنش آمده بود که ایشان یکی از کلمات نماز را اشتباه تلفظ کرده است. ایشان هم بدون مقدمه پاسخ او را داد.^(۳۱)

۱. «عبد الله بن موسی بن جعفر: عن أبیه، قال: سأَنتَه عَن المُکَلِّفِینَ، هل یُعَلِّمانَ بِالْبَیِّنِ إِذَا ارَادَ العَبْدُ أَنْ یُفْعَلَ، أَوْ الخِصَّةُ؟ قالَ: «ریحَ الکَثیرِ وَ ریحَ القَلیبِ سِوَا»؛ قلتُ: لا، قالَ: «إِنَّ العَبْدَ إِذَا مَهِمَّ بِالخِصَّةِ نَزَعَ نَفْسَهُ طَیِّبَ الرِّیحِ، فَقالَ صَاحِبُ التَّیْمَنِ لِصَاحِبِ الاِشْمالِ: قُلْ، فَإِنَّهُ قدَ مَهِمَّ بِالخِصَّةِ، فَإِذَا قُلْنَا کَلِمَةً کَلِمَةً قَلَمَهُ وَ رَیْقَهُ مَدَانَهُ، فَأَنْتَبَها لَهُ، وَ إِذَا مَهِمَّ بِالرَّیْقَةِ نَزَعَ نَفْسَهُ تَیِّبَ الرِّیحِ، فاقْبُولِ صَاحِبَ الشِّمالِ لِصَاحِبِ التَّیْمَنِ: قُلْ، فَإِنَّهُ قدَ مَهِمَّ بِالرَّیْقَةِ، فَإِذَا هُوَ قُلْنَا کَلِمَةً کَلِمَةً وَ رَیْقَهُ مَدَانَهُ، وَ أَنتَبَها عَلَیْهِ، عبدالله فرزند امام کاظم می‌گوید: از پدرم در باره دو فرشته‌ای موکل بر انسان ا پرسیدم که: آیا هرگاه بنده قصد گناه یا قصد کار نیک کند، می‌دانند؟ فرمود: بوی مستراح و بوی عطری، یکی است؟ گفتم: نه فرمود: هرگاه بنده اهنگ کار نیک کند، نفسش خوش و بیرون می‌آید. پس فرشته دست راست به فرشته دست چپ می‌گوید: ترک کن؛ چرا که او اهنگ کار خوب کرده است و هنگامی که آن کار خوب را انجام می‌دهد، زبانش قلم اوست و آب دهانش مرکب او و آن را برای او ثبت می‌کند و هرگاه تصمیم بر گناه بگیرد، نفسش بدبو بیرون می‌آید. پس فرشته دست چپ به دست راستی می‌گوید: دست نگذار او چیزی ننویس! زیرا او اهنگ گناه کرده و چون آن گناه را به جا آورد، زبانش قلم اوست و مرکبش آب دهانش و آن گناه را بر او ثبت می‌کند» (الکافی: ج ۲ ص ۴۱۹ ج ۳).

۲. مواظ: ج ۲ ص ۱۷۰. حجة الإسلام عبد الرضا پوردهبی نیز این مطلب را از ائله الله حق‌شناس نقل کرده است. ۳. زن بی‌پروا که باکی از رسوایی ندارد (لغت‌نامه دهخدا)، ۴. مواظ: ج ۳ ص ۱۷۷. ۵. در دعایی از امام کاظم علیه‌السلام می‌خوانیم: «وَ قد عَلِمْتُ أَنَّ أَفْضَلَ رِزَالِ الرَّجُلِ إِلَیکَ عَزَمُ إِیْذَانِکَ یَها، وَ دانستم که برترین ره‌توشهٔ مسافر کوی تو، اراده استواری است که با آن، تو را برگزیند» (الإقبال: ج ۳ ص ۲۷۷). ۶. مواظ: ج ۴ ص ۱۴۷. ۷. گناهان بزرگ‌تر. ۸. روم: آیه ۱۰. ۹. تفسیر الصافی: ج ۱ ص ۱۴۹. ۱۰. مواظ: ج ۳ ص ۱۸۶-۱۸۷. ۱۱. او می‌پنداشتند که هرگز پس از مرگ اب حیات دوباره باز نخواهد گشت) (عبدالله بن محمد)، ۱۲. مواظ: ج ۲ ص ۱۶۵. ۱۳. مواظ: ج ۲ ص ۱۳۲. ۱۴. مواظ: ج ۳ ص ۱۰۷. ۱۵. به نقل از دکتر جواد محمّدی. ۱۶. به نقل از آقای مرتضی اخوان. ۱۷. به نقل از دکتر جواد محمّدی. ۱۸. به نقل از آقای مرتضی اخوان. ۱۹. به نقل از دکتر جواد محمّدی. ۲۰. این مطلب در مصاحبه آقای علی تهرانی نیز آمده است. همچنین ر. ک: ص ۵۹ (الترام به شریعت). ۲۱. به نقل از دکتر حمیدرضا اشرفی. ۲۲. به نقل از آقای علیرضا جوان.

است. همچنین می‌فرمود: «بهترین میزان برای سنجش خودتان، نماز است. به هر میزان که در نماز حضور قلب و توجه دارید، به همان اندازه در مراقباتان پیشرفت کرده‌اید»^(۳۲)

آیت‌الله حق‌شناس در بارهٔ آداب نماز خواندن می‌فرمود: «وقتی می‌خواهید نماز بخوانید، کلاماً حضور قلب داشته باشید. موقع نماز، حواستان به اطراف نباشد». همچنین می‌فرمود: «نماز را تند تند نخوانید؛ بلکه آهسته و شمرده شمرده و با توجه بخوانید.»

ایشان موقع بلند شدن از رکوع، ذکر «سمع الله لمن حمده» را می‌گفت و سپس به سجده می‌رفت. در سجده آخر نماز هم معمولاً دعای «یا ولیّ العافیة! سألک العافیة، عافیة الدّین و الدنیا و الدنیا» می‌گفت؛ یا! این وضع آمدن به مغازه نیست. این طوری کاسب نمی‌شود! تو چرا کار را یک‌دستی گرفتی؟ عبادت هم همین طور است و نباید آدمی در آن کوتاهی داشته باشد.^(۳۳)

حضور قلب در عبادت
در بارهٔ انواع عبادات، نکته‌ای که آیت‌الله حق‌شناس خیلی به آن عنایت داشت و همیشه نظر مخاطبان را به آن جلب می‌کرد، حضور قلب و توجه در عبادات بود. زمانی که می‌خواستیم به کربلا مشرف بشوم، خدمت ایشان رسیدم تا دستور بیاذری خاص به من بدهد. فرمود: «ذکر و اینها نمی‌خواهد. از همان درب منزل که سوار ماشین می‌شوی تا وقتی که برمی‌گردد، توجه قلبی‌ات به امام حسین باشد».^(۳۴)

دوم: وضو

آیت‌الله حق‌شناس دربارهٔ مقدمات نماز تأکید می‌نمود که: «وضو را با دقت و به صورت کامل بگیرد و سعی کند هنگام وضو گرفتن صحبت نکند؛ بلکه توجه کند که به ملاقات چه کسی می‌رود.»^(۳۵)

الآخره» را می‌خواند. بیشتر علما در رکعت اوّل نمازها، سورهای غیر از سورة توحید و معمولاً سورة قدر را می‌خواندند؛ اما آیت‌الله حق‌شناس بیشتر همان سورة توحید را می‌خواند.

ایشان دلیل آن را چنین بیان نمود که خواندن (قُلْ هُوَ الله) در رکعت اوّل، موجب نورانیّت قلب می‌شود. حاج آقا در بارهٔ قرائت (وَ لا الضَّالِّینَ) می‌فرمود: «مَن الضَّالِّانَ، به اندازهٔ چهار حرف باشد، به همان میزان، حضور قلبش در نماز بیشتر کشیده شود».^(۳۶)

آیت‌الله حق‌شناس موقع وضو گرفتن، کمی شیر آب را باز می‌کرد و بعد از شستن هر قسمت بلافاصله شیر را می‌بست و اصلاً نمی‌گذاشت آب آسراف شود. هنگام شستن صورت نیز با دقت در آینهٔ آب چشم‌ها نگاه می‌کرد تا مبادا جایی خشک بماند. یاد هم می‌نمود که می‌فرمود: «وضو را وسط وضو تا کامل بشوید، بعد اطراف را». همچنین می‌فرمود: «موقع وضو، توجهتان به وضو گرفتن باشد».^(۳۷)

سوم: نماز

آداب نماز

آیت‌الله حق‌شناس در بارهٔ حضور قلب در نماز می‌فرمود: «از زمانی که الله اکبر شروع نماز را می‌گوید، تمام توجهتان به این باشد که در مقابل چه کسی ایستاده‌ای و با چه کسی سخن می‌گویند. هر کس، به هر اندازه که از منهیات این‌دوری کردی باشد، به همان میزان، حضور قلبش در نماز بیشتر